

... باید طرحی نو در انداخت

نوشته دکتر منوچهر کیانی

استاد و رئیس سابق دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

There is no subtler, no surer means of overturning the existing basis of society than to debauch the currency.

The process engages all the hidden forces of economic law on the side of destruction, and does it in manner which not one man in a million is able to diagnose.

John Maynard Keynes (1919)

برای واژگون کردن بنیان موجود یک جامعه راهی زیورانه‌تر و مطمئن‌تر از ایجاد فساد در نظام پولی آن جامعه نیست. چون این فرآیند تمام نیروهای پنهانی قوانین اقتصادی را در جهت تخریب به کار می‌گیرد، و این تخریب به نحوی است که از هر یک میلیون نفر افراد آن جامعه حتی یک نفر قادر به تشخیص آن نیست.

جان مینارد کینز

آقای رئیس کل بانک مرکزی روز هفتم بهمن‌ماه در یک مصاحبه مطبوعاتی در خصوص علل افزایش نرخ ارز و سکه طلا گفت: به علت ورود حجم سنگین نقدینگی به بازار سکه و ارز، و علیرغم تزریق ۴۲ هزار قطعه سکه طلا در طول پانز سال جاری و ۲۹ هزار قطعه سکه در دیماه قیمت سکه و ارز ازدیاد داشته است.

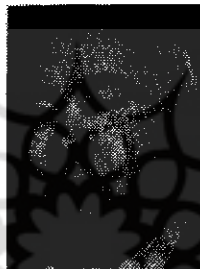
وی با اشاره به این مسأله که مقدار نقدینگی موجود در کشور ۵۶ هزار میلیارد ریال، یا به عبارتی دیگر ۵/۶ هزار میلیارد تومان است، اعلام کرد که در ابتدای سال جاری با اجرای برنامه تنظیم بازار و مهار رشد کاذب قیمت‌ها، بخشی از نقدینگی که در این امور فعالیت داشت به بازار سکه و طلا سرازیر شد و با وجود توزیع زیاد سکه و فروش آن توسط بانک مرکزی، تقاضا برای سکه همچنان بالا ماند و موجب افزایش قیمت سکه طلا در بازار شد.

در ذیل سعی می‌شود که ثابت گردد که سیاست پولی بانک مرکزی برای جمع‌آوری نقدینگی از طریق فروش سکه طلا از همان آغاز به دلیل وجود نقدینگی فوق‌العاده زیاد در اقتصاد ملی محکوم به شکست بود.

قبل از وارد شدن به بحث و استدلال برای ضرورت اصلاح نظام پولی در کشور می‌باید مفهوم نقدینگی و دلیل اینکه چرا مرتباً افزایش یافته است، روشن شود. نقدینگی به مجموع اسکناس و مسکوکات در دست مردم، باضافه سپرده‌های آنان نزد بانکها در یک اقتصاد ملی اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، پول نقد بخشی

خصوصی و عمومی به علاوه موجودی آنها را در نزد بانکهای کشور نقدینگی می‌نامند. این پولها بسته نیست و به سهولت جابه‌جا می‌شود، از نقطه‌ای به نقطه دیگر، و از شهری به شهر دیگر، و از خرید کالایی به خرید کالای دیگر انتقال می‌یابد. این کالا می‌تواند واحدهای مسکونی باشد، ارزاق عمومی باشد، سکه طلا باشد و یا پول خارجی.

این پولها همچون آب روان راه خود را باز می‌کند و خود را با کمترین نشت به سرمنزله بالاترین سودها می‌رساند. آرام و فرار ندارد. چون صاحبان این پولها



جان مینارد کینز

انسانهای اقتصادی هستند و در همه جا و در همه زمانها به دنبال بیشترین نرخ سود می‌روند.

این پولها را هم با طلسم و جادو نمی‌توان به درون کوزه برد و سپس در آن را برای همیشه بست و یا اینکه با موعظه و بند و اندرز از صاحبان آنها خواست که از عقوبت الهی ترسیده و به دنبال سود نروند و یا از خرید کالایی که تمایل به آن دارند، صبرنظر کنند.

میزان پول در گردش در ایران نقدینگی که زمان انقلاب رسمی حدود ۳۰۰ میلیارد تومان بود در سال ۱۳۶۷ به بیش از ۱۵۶۸ میلیارد تومان و در سال ۱۳۶۸ به بیش از ۱۸۷۵ میلیارد تومان و در سال ۱۳۶۹ به حدود ۲۳۰۰ میلیارد تومان و در سال ۱۳۷۰ به ۲۸۲۶ میلیارد تومان و در سال ۱۳۷۱ با نرخ رشدی حدود ۲۵ درصد به بیش از ۳۵۸۶ میلیارد تومان و در سال ۱۳۷۲ با ازدیادی بیش از پنجاه درصد به رقم ۵۴۰۰ میلیارد تومان بالغ گردید و بنا به گفته رئیس بانک مرکزی حجم نقدینگی در حال حاضر ۵۶۰۰ میلیارد تومان می‌باشد و پیش‌بینی می‌شود که در سال جاری نرخ رشدی معادل ۳۴ درصد داشته باشد و در پایان سال از رقم ۶۰۰۰ میلیارد تومان نیز تجاوز کند.

نرخ رشد نقدینگی ... نرخ رشد تولید ناخالص ملی

ارقام فوق در موضوع را روشن می‌کند. یکی این که حجم نقدینگی در طول سالهای بعد از انقلاب با نرخ

غیر قابل توجه و نامعقول همواره در حال افزایش بوده، و دیگر اینکه میزان نقدینگی تا سال ۱۳۶۷ با وجود جنگ تحمیلی و در طول ده سال، فقط سه برابر شده، در حالی که از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ یعنی در طول پنجسال برنامه اول به حدود سه برابر و نیم افزایش یافته و یا به عبارت دیگر در طول این پنج سال جمعاً ۳۵۰ درصد ازدیاد داشته و حجم نقدینگی به طور متوسط سالانه دارای ۷۰ درصد افزایش بوده است. و متأسفانه این افزایش زیاد حجم نقدینگی از زمانی آغاز شده که دیگر جنگ به پایان رسیده بود و ضرورتی در کار نبود که دولت جهت تأمین مالی مخارج جنگ مجبور به چاپ و انتشار اسکناس شود.

افزایش حجم نقدینگی در طول ده سال یعنی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ (در واقع یازده سال) با وجود جنگ و احتیاج مبرم به چاپ اسکناس تنها سالانه به طور متوسط ۳۰ درصد بوده است و این خود بالنسبه انضباط مالی مسئولین آن زمان را نشان می‌دهد.

باید توجه داشت که این افزایش‌های ۳۰ و یا ۷۰ درصدی حجم نقدینگی با اعلام رشد نقدینگی به میزان خیلی کمتر مثلاً ۳۴ درصد در سال جاری از طرف دولت در تعارض نیست. چون بانک مرکزی نرخ رشد نقدینگی را در هر سال نسبت به سال قبل محاسبه می‌کند، در حالی که در این جا ارقام افزایش به طور مطلق حساب شده‌اند.

افزایش نامعقول حجم نقدینگی در چند سال گذشته و آن هم با نرخهای بالا در شرایطی به وقوع پیوسته که تولید ناخالص داخلی در طول برنامه پنجساله اول به طور متوسط سالانه تنها ۷/۷ درصد رشد داشته است و این رشد هم بیشتر مربوط به سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ می‌باشد که به ترتیب ۱۲/۱ و ۱۰/۹ درصد بود و لا ترخ رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۶۸ فقط ۴ درصد و در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ تنها ۶/۳ درصد بوده است.

کشورهای غربی از آغاز جنگ اول جهانی دریافته‌اند که با رواج کامل اسکناس می‌توان به سهولت پول چاپ کرد و هزینه‌های سرسام‌آور جنگ را بدون وضع مالیاتهای جدید و فشار مستقیم به مردم تأمین نمود. تورم وحشتناک در اروپا و بخصوص در آلمان بعد از جنگ اول حاصل این سیاست بود.

هزینه‌های جنگ جهانی دوم نیز اکثراً از طریق چاپ و انتشار اسکناسهای جدید تأمین مالی شد، اما بعد از جنگ جهانی دوم تمام این کشورها اصلاح پولی کردند و پول نوئی را با قیمت جدیدی جایگزین پول قبلی زمان جنگ نمودند، تا از خطرات و مصائب حتمی

الوقوع تورم در امان باشند.

در سالهای اخیر نیز تعدادی از کشورهای امریکای لاتین پول خود را اصلاح کرده‌اند و حتی بعضی از آنها چندین بار. قرار است دولت لهستان نیز به زودی «سلوتی» (sloty) پول خود را اصلاح کند.

امروزه بین اقتصاددانان پیرو نظریه‌های مختلف این اتفاق نظر وجود دارد که چاپ و انتشار بی دریغ اسکناس نو و بدون در نظر گرفتن ارتباط آن با رشد تولید ناخالص داخلی و یا شرایط و عوامل دیگر منجر به تورم حتمی خواهد شد و در عمل تمام ابزارهای پولی و مالی دولت‌ها را جهت حفظ ارزش پول خنثی خواهد ساخت.

در طول سالهای جنگ، دولت جمهوری اسلامی ایران هزینه‌های ارزی جنگ را از طریق درآمد نفت و هزینه‌های ریالی آن را از راه چاپ اسکناس و یا به عبارت «مشهور و معموله» استغراض از سیستم بانکی - یعنی بانک مرکزی - تأمین مالی کرد. و همین روند سبب شد تا حجم نقدینگی به رقم ۱۵۶۸ میلیارد تومان در سال ۱۳۶۷ برسد. از سال ۱۳۶۸ به جای اسکاگ در چاپ و انتشار اسکناسهای جدید، دولت سیاست استغراض از سیستم بانکی را گسترش داد و حجم نقدینگی در طول پنج سال به سه برابر و نیم افزایش یافت و میزان آن را به ۵۶۰۰ میلیارد تومان رساند.

قیمتها، بانک مرکزی و مسئولین امور اقتصادی کشور برآنند که با فروش سکه و یا پیش فروش بعضی از کالاها از حجم نقدینگی بکاهند تا بدین طریق از سرعت تورم کاسته و آن را تا حدودی مهار نمایند. لازمه موفقیت این سیاست پولی رعایت حداقل دو شرط می‌باشد:

۱- مقدار کاهش حجم نقدینگی آنگقدر باشد که واقعا تقاضای مولر را تقلیل دهد.

۲- پولهای جمع آوری شده از چرخه اقتصادی خارج شود و یا به اصلاح اقتصادی ناپاوه گردد.

حال برای بررسی موفقیت سیاست پولی بانک مرکزی جهت کاهش نقدینگی دو شرط فوق‌الذکر را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در مورد شرط اول بانک مرکزی از اول پائیز سال ۷۳ تا آخر دی ماه جمعا تعداد ۷۱ هزار قطعه سکه در بازار به فروش رسانده است. در طول پائیز ۴۲ هزار قطعه سکه به فروش رفته است که اگر فرض نمایم قیمت هر سکه به طور متوسط ۳۰ هزار تومان بوده باشد، بانک مرکزی توانسته است یک میلیارد و دو سشت میلیون تومان جمع آوری نماید و اگر باز فرض کنیم که در دینامه بانک مرکزی هر سکه را به طور متوسط به مبلغ سی و پنج هزار تومان فروخته باشد، توانسته یک میلیارد و پانزده میلیون تومان به دست آورد و جمعا برای ۷۱ هزار سکه دو میلیارد و

سکه نمی‌توان از حجم نقدینگی کاست، چون دو شرط یاد شده تحقق نمی‌یابند. از این رو، باید به دنبال چاره اساسی گشت و این راه علاج چیزی جز اصلاح نظام پولی در کشور نیست، هر چند این جراحی می‌باید مدتها پیش انجام می‌گرفت تا در اقتصاد کشور نظم و انضباط حاکم شود و به قشرهای کم درآمد یا با درآمدهای ثابت اینقدر فشار وارد نشود.

اگر اصلاح پولی صورت نگیرد و دولت انضباط مالی از خود نشان ندهد و همچون چند سال گذشته مرتباً از طریق چاپ و انتشار اسکناس بر حجم نقدینگی در جامعه بیفزاید، تورم که طبق ارقام رسمی در حال حاضر ۳۰ تا ۳۵ درصد و طبق برآورد محققین بین ۵۰ تا ۷۰ درصد است، سرعت بیشتری خواهد یافت و به دنبال خود نرخ بهره (یا نرخ سود تضمین شده) را که هم اکنون فوق‌العاده زیاد است، باز هم بالا خواهد برد و از این راه بنیان جامعه را تهدید خواهد کرد. عملکرد این مکانیسم‌هاست که «جان میزاد کیتیز» آن را نیروهای پنهانی قوانین اقتصادی در جهت تخریب جامعه می‌نامد. مسئولین اقتصادی نباید قدرت این تخریب را که آثار خود را شروع به نشان دادن کرده است، دست کم بگیرند.

افزایش نرخ بهره به علت تورم زیاد یکی از آثار شوم این تخریب است که بنیان اقتصاد جامعه را تهدید می‌کند. کارهای تولیدی را بی‌فایده نموده و مردم را به سوی رباخواری و زندگی کردن از بهره پول (یا به اصطلاح رسمی سود تضمین شده) خود می‌کشاند. دلایلی که از دیدگاه علم اقتصاد یک شغل «اتکلی» است در حال حاضر متأسفانه در ایران از رونق زیادی برخوردار می‌باشد و کمتر فرد سرمایه‌دار و یا سازمان و شرکت خصوصی و یا دولتی یافت می‌شود که به آن نپردازه. این تخریب شوم که بنیان جامعه را دگرگون می‌سازد از طریق واژگون کردن ارزشها و تقواها عملیات مخرب خود را انجام می‌دهد. کار و زحمت جای خود را به دلایلی می‌سپارد. صرفه‌جویی و اسکاگ جای خود را به علت تورم به اسراف می‌دهد و حرص و ولع را در خریدن و انبار کردن به وجود می‌آورد.

سودهای بادآورده و ثروتمند شدن یک شبه افراد زیادی به علت تورم خط بطلان بر هر سیاست عدالت اجتماعی دولت می‌کشد و مستقی ترین افراد جامعه را وسوسه کرده و از تلاش و کوشش جدی در کسب و کار باز می‌دارد. توسعه اقتصادی، تکثیر ثروت و انباشتن سرمایه در هر کشوری حاصل کار مداوم، تلاش پیگیر و زحمت خستگی‌ناپذیر مردم آن کشور است که در طول زمان، در طی نسلها بدست می‌آید. حال اگر شرایطی نظیر سودهای باد آورده و درانت جوئی‌ها این ارزشها را نابود کند، دیگر کجا مردم به دنبال کار، تلاش و زحمت خواهند رفت. در این صورت ارزشها از هم پاشیده و تقواها از بین رفته و ملتی شروع به زدن تیشه به ریشه خود می‌کند.

نیروهای پنهانی قنوانین اقتصادی را نباید دست کم گرفت

مکانیسم افزایش قیمتها

به نسبت افزایش حجم نقدینگی در اقتصاد ملی قیمتها نیز ترقی داشته‌اند. اگر افزایش قیمتها را با ترقی نرخ یک ارز خارجی - مثلاً دلار - در چند سال گذشته بسنجیم، مثلاً اینکه در سال ۱۳۵۷ قیمت یک تلویزیون چند دلار بود و حالا چند دلار است، متوجه می‌شویم که قیمتها خیلی فرق نکرده و درصد افزایش آنها منحصراً است و این خود از آنجا ناشی می‌شود که خود اتکانی و خودکفائی اقتصادی و صنعتی در کشور محدود بوده و اجباراً قیمتهای داخلی به نرخ ارزهای خارجی ارتباط می‌یابند. از سوی دیگر باز ارزش خارجی تومان با به عبارت دیگر قیمت ارزهای خارجی - مثلاً دلار - بستگی به قدرت خرید ریال در داخل دارد. البته عوامل دیگری نیز در عمل تأثیر دارند که در محدوده بحث کنونی ما نیست.

ارقام ترقی قیمتها از سال ۱۳۷۱ تاکنون به روشنی نشان می‌دهد که چه رابطه مستقیمی بین افزایش نقدینگی و قیمت کالاها وجود دارد. این رابطه در مورد کالاها صنعتی - چه مونتاژ داخل و چه وارداتی - نظیر خودرو حساس‌تر بوده و بازتاب سریعتری را به علت ارتباط نزدیک با قیمت دلار منعکس می‌سازد. با گامی از این رابطه بین حجم نقدینگی و ترقی

دویست و هفتاد و پنج میلیون تومان از حجم نقدینگی نزد مردم بکاهد. کاهش این مقدار نقدینگی در مقایسه با بیش از ۵ هزار میلیارد تومان حجم نقدینگی در اقتصاد ملی ناچیز و قابل اغماض است.

اگر قیمت فروش هر سکه را توسط بانک مرکزی ۳۵ هزار تومان فرض نمایم، برای جمع آوری تنها یک هزار میلیارد تومان از حجم نقدینگی، بانک مرکزی دقیقاً احتیاج به فروش ۲۸ میلیون و ۵۷۱ هزار و ۲۲۸ قطعه سکه طلا خواهد داشت. برای ضرب این تعداد سکه با معیار کنونی احتیاج به ۲۳۰ تن طلا می‌باشد که تهیه آن در شرایط کنونی کار آسانی نیست.

در مورد شرط دوم یعنی خارج کردن پولهای جمع آوری شده توسط بانک مرکزی از سیکل اقتصاد ملی که یک شرط اساسی برای مهار تورم است، باید اذعان کرد که متأسفانه بانک مرکزی دوباره این پولها را به بانکها و یا به دولت قرض می‌دهد و بدین طریق دوباره این پولها وارد چرخه اقتصاد می‌شود و تلاش برای کاهش نقدینگی خنثی می‌گردد، هر چند بانک مرکزی ممکن است اذعان کند که به جای چاپ اسکناسهای جدید برای تأمین مخارج دولت از نقدینگی موجود در اقتصاد استفاده کرده است.

همانطور که در فوق نشان داده شد با فروش تعدادی